

مبارزه طبقاتی در ایران

رهبری طبقه کارگر شرط لازم برای پیروزی انقلاب همگانی

(4)

مضحکه « اصلاحات ارضی »!

گفتیم که رژیم کودتا، پادو - شاهی پهلوی، بساز محافل امپریالیستی می رقصید، برای اربابان پشت پرده... دم تکان می داد، پارس می کرد، در رکاب کارتل های نفتی، مالی و صنعتی، شمشیر می زد، عرق می ریخت، بسود انحصارات انگلیسی و آمریکائی، عربده می کشید، می غلتید، در رقابت ها پهلوی می گرفت. و تمام مساله هم اینجاست. بموجب گزارش رسوا کننده روزنامه « لوموند »، یکی از نشریات پر تیراژ فرنگستانی: پس از اینکه کاخ سفید در دوران ریاست جمهوری جان - اف - کندی ادامه کمک های آمریکا به رژیم کودتا را منوط به اجرای نوعی لیبرالیسم و اصلاحات ارضی... کرد؟! دولت علم، در سال 1342 خورشیدی، یک طرح 6 ماده ای - بعدها « انقلاب سفید »! تهیه و دستور العمل کاخ سفید را، بنام منویات « ملوکانه »! به رای عمومی گذاشت:

- 1 (اجرای اصلاحات ارضی در سراسر کشور.
- 2 (ملی کردن جنگلها.
- 3 (فروش کارخانجات دولتی به منظور تامین مالی اصلاحات ارضی.
- 4 (تغییر قانون انتخابات مجلس.
- 5 (شرکت کارگران در سود کارخانه ها.
- 6 (تشکیل سپاه دانش به منظور پیکار با بی سوادی در روستا ها.

عقل سلیم توجه دارد که « اصلاحات ارضی... »! آرایش سنتی، ارباب - رعیتی، در روستاهای کشور را، گرچه فقط برای تسهیل فروش کارخانجات دولتی نشانه گرفته، ولی دریغ از یک کلمه، در باره خریداران محتمل... حقیقی یا حقوقی کارخانجات وطنی. نکته ظریفی که کلی جای حرف دارد. پس تکلیف ادعای آقای ارهارد، وزیر اقتصاد آلمان: « ... ایران نیازی به صنایع سنگین ندارد و باید یک کشور کشاورزی باقی بماند... »، چه می شود؟! خدا می داند. طفلک علم...

بعدها، 6 بند دیگر، به لیست منویات « ملوکانه » اضافه گردید... در این ارتباط، قابل ذکر اینکه، قرار شد تا بند مربوط به « اصلاحات ارضی »! بر مبنای همان قانون پیشنهادی دولت امینی به اجرا در آید؟! با این تفاوت جزئی که دولت وقت (اسد الله علم)، « متممی » را جهت تکمیل آن فراهم کرد - یک دستور العمل تازه و « دمکراتیک تر »! حاوی نکات سفارشی به شرح زیر:

بشنوید از « متمم »! مالک می تواند تا 500 هکتار از زمین های زیر کشت را، به شرط استفاده از وسائل ماشینی و اشتغال کارگر مزدور... در تصرف خویش نگهدارد! ولی در مورد زمین های خرده مالکان کوچک و متوسط، مالک می تواند به میل خود، یکی از شرایط زیر را برگزیند:

1 - زمین را بر مبنای عرف و یا سنت متداول در محل، 30 ساله به دهقانان اجاره دهد! میزان اجاره زمین ها، هر 5 سال یکبار، قابل تجدید نظر است...!

2 - با توافق طرفین، یعنی مالک و دهقان مستاجر، زمین ها به دهقانان فروخته شود! دهقانان موظفند تا قیمت زمین ها را 10 ساله بپردازند!

3 - تقسیم زمین میان مالک و دهقان، به تناسب کیفیت زمین، سهم بهره مالکانه و سهم دهقان از محصول، انجام شود!

در « متمم »! لغو وظائف دهقان برای تحویل جنس اضافی به مالک هم قید شده. در بررسی های بعدی و در روند اجرای « اصلاحات ارضی »! حداکثر زمین های اربابی، منظور آن زمین هائی هستند که بدون استفاده از ماشین و کارگر مزدور زراعت می شدند، برپایه شرایط اقلیمی و حاصلخیزی زمین و تاسیسات آبیاری... به شرح زیر تعیین گردید:

در زمین های « برنجکاری » استان گیلان و مازندران - حداکثر زمین های مجاز اربابی تا 20 هکتار! و در تهران و ورامین و دماوند و ری و شمیرانات، تا 30 هکتار! اما در سایر بخش های استان های مذکور، تا 70 هکتار! در حومه مراکز استان ها، سوای کرمان و سنندج و زاهدان، تا 70 هکتار! در بخش های مربوط به شهرهای گرگان و گنبد قابوس و دشت مغان، یا زمین های بدون کشت برنج استان های گیلان و مازندران، تا 40 هکتار! خوزستان و بلوچستان و سیستان، تا 150 هکتار و سایر استان ها و مناطق کشور تا 100 هکتار، تعیین گردید!

متمم برای اجرای « اصلاحات ارضی... »! در املاک وفقی هم مقررات ویژه وضع کرد و به دلیل شکل دوگانه « وقف در اسلام »! دو روش اجرائی را در نظر گرفت. از آنجا که املاک « وفقی »! به عمومی و خصوصی تجزیه می شدند، و خرید و فروش املاک وفقی (عمومی) در قواعد اسلام مجاز نبود...! قرار بر این شد که زمین های مربوط به « وقف عمومی » را 99 ساله به دهقانی که بر روی آنها کار می کردند، واگذار کنند! پرداخت نقدی اجاره هم، هر 5 سال یکبار، قابل تجدید نظر بود!

ولی زمین های « وقف خصوصی »! می بایست به وسیله دولت خریداری و به اقساط به دهقانان فروخته می شد! اما به شرطی که دهقانان عضویت در شرکت های تعاونی را می پذیرفتند! قیمت زمین ها نیز، باید به صاحبان « موقوفه »! پرداخت می شد. و یا این زمین ها، 30 ساله، به دهقانان اجاره داده می شد! متمم، موعد بازپرداخت دولت به مالکان را، به نسبت مساحت زمین هائی که از آنان « گرفته می شد »! از 10 به 15 سال تغییر داد...

بموجب گزارشات رسمی، بازخرید املاک اضافی مالکان بزرگ و فروش آنها به دهقانان اجاره دار - مرحله نخست، و تنظیم بعدی مناسبات فروشنده و خریدار در ارتباط با زمین های کوچک و متوسط، یا املاک وفقی - مرحله دوم « اصلاحات ارضی »! نامگذاری شد. مثل اینکه اعلیحضرت، بزرگ ارتشداران، خدایگان شاهن - شاه آریامهر، سوای املاک « سلطنتی »! و آن 19 هزار آبادی، باغ و مزرعه... نا قابل در سراسر کشور برای سیر کردن « شکم اهل بیت »! حتی یک وجب هم ملک اضافی نداشت...

ناگفته نماند، نقل از مطبوعات، قرار بود مرحله اول اجرای منویات « ملوکانه »! تا اواخر سال 1342 خورشیدی، تمام شود. در عمل، نیم بند و نیمه کاره... تا سال 1348 خورشیدی به درازا کشید، و فقط 15320 روستا + 798 قطعه از مجموع زمین های زراعتی را در بر گرفت!؟ گویا این زمین ها هم، 6/646 هزار خانوار، یعنی 20% درصد از خانوارهای دهقانی را شامل و مرحله دوم آن هم - مربوط به مالکان خرد و متوسط، که گویا اغلب اجاره را به فروش ترجیح می دادند...!؟ تا آخر سال 1348 خورشیدی، چیزی بیشتر از 1/244/000 خانوار، یعنی حدود 40% درصد تمام خانوارهای روستائی، که بر روی زمین های مالکان بزرگ بعنوان اجاره دار کار می کردند! در بر می گرفت. حتی تا همین حد هم، با ادعای دولتی، تقریباً 40% درصد روستائیان، دهقانان فقیر، خوش نشین ها و مزد بگیران موقت، از آنجا که اصلاً هیچ سنتی شامل حالشان نمی شد، عملاً از « نعمت » تقسیمات « شاهانه »! محروم ماندند!

در همین سال، 1348 خورشیدی، طبق فرمانی جدید... مالکان خرد و متوسط هم، موظف شدند، یا زمین های خود را به دهقانان بفروشند و یا به تناسب سهام محصول میان مالک و دهقان، آنها را تقسیم کنند؟! سر رسید اجرای این قانون جدید هم تا سال 1349 خورشیدی تعیین گردید! قیمت زمین ها نیز 12 برابر اجاره سالانه در نظر گرفته شد و دهقانان می بایست کل این مبلغ را، در مدت 12 سال، بپردازند. در این عرصه هم، تا سال 1349 خورشیدی، فقط 26/9 هزار مالک خرد و متوسط، قسطی... زمین های خود را به 111/7 هزار خانوار روستائی (اجاره کار) فروختند. یعنی چیزی در حدود 10% از مالکان و خانوارهای دهقانی مشمول قانون جدید. ضمناً، در سال 1350 خورشیدی، قانون دیگری هم در باره فروش زمین های وقفی به دهقانان تصویب شد...

رضا خسروی